ماه مبارک رمضان، بهار انس با قرآن

نويسنده: حجت الاسلام و المسلمين محمد محمدي اشتهاردي

اشاره

ماه مبارک رمضان، ماه تولد قرآن، ماه انس با قرآن، ماه بهار قرآن، و ماه شناخت و بهره برداري فکري و عملي از قرآن فرا مي رسد.  
ماهي که در شب قدر آن، قلب پيامبر اکرم(ص) همه قرآن را از امين وحي، فرا گرفت و قرآن از لوح محفوظ بر قلب وسيع و نوراني بزرگ ترين پيامبران منعکس شد، ماهي که همه ما با روزه گرفتن و عبادت و مناجات و دعا، با زمينه سازي و آمادگي معنوي به استقبال دريافت قرآن مي رويم، و مي خواهيم در پرتو آثار پربرکت روزه خالص، و عبادت ها و دعاهاي همراه آن، رابطه خود را با قرآن نزديک تر کنيم، و تصميم بگيريم که خط رابط ما با قرآن همواره استوارتر و محکم تر گردد.  
قرآن، روح ماه رمضان است که در کالبد آن دميده شده، و ارزش و عظمت آن را چند برابر کرده است. قرآن، قلب ماه رمضان است، که بدون اين قلب و ضربان آن، جوهره حقيقت در رگ هاي حيات معنوي روزه داران به جريان نمي افتد، قرآن بهار دل ها، و ماه رمضان، بهار قرآن است، چنان که امام باقر(ع) فرمود: «لکل شي ء ربيع و ربيع القرآن شهر رمضان؛ براي هر چيز بهاري است، و بهار قرآن ماه رمضان است.»   
و امير مومنان علي(ع) در شان قرآن فرمود: «و تفقهوا فيه فانه ربيع القلوب؛ در قرآن بينديشيد که بهار قلب هاست.»   
و نيز بايد توجه داشت که مطابق فرموده امام صادق(ع:) «و قلب شهر رمضان ليله القدر؛ شب قدر، قلب ماه رمضان است.»   
از اين رو بايد گفت که بخش اعظم برکات ماه رمضان، در رابطه با قرآن است، و در اين ماه بايد بذر دستورهاي نوراني قرآن را در مزرعه دل ها بکاريم، تا رشد و نمو کند و سرانجام ميوه قرآن را در اين ماه براي غذاي روح برگيريم، و قوت قلبمان را در پرتو برکات قرآني اين ماه، بيمه نماييم، و چنين بهره برداري جز از راه انس حقيقي با قرآن به دست نخواهد آمد.

انس با قرآن

اميرمومنان علي(ع) فرمود: «من آنس بتلاوه القرآن، لم توحشه مفارقه الاخوان؛ کسي که با تلاوت قرآن، انس و الفت گرفت، از جدايي ديگران به وحشت نمي افتد.»   
در اينجا پرسيده مي شود که حقيقت انس با قرآن چيست که انسان را اين گونه استوار و نيرومند مي سازد، و هرگونه اضطراب و تنش را از او دور مي کند؟   
پاسخ آن که: انس در اصل به معناي خو گرفتن و همدم شدن است، مانند انس کودک شيرخوار به سينه مادر، و گاهي انس آن چنان شديد و سرشار است، که از انس کودک شيرخوار به سينه مادرش نيز بيشتر است، چنان که اميرمومنان علي(ع) در برابر منافقان کوردلي که او را به مرگ تهديد مي کردند، فرمود: «والله لابن ابي طالب آنس بالموت من الطفل بثدي امه؛ سوگند به خدا علاقه فرزند ابوطالب به مرگ (شهادت) از علاقه کودک شيرخوار به پستان مادرش بيشتر است.»   
عارف حقيقي کسي است که با خدا و کلام او چنين انس و الفتي داشته باشد، که اميرمومنان علي(ع) در توضيح آيه «يا ايها الانسان ما غرک بربک الکريم؛ اي انسان چه چيز تو را به پروردگارت مغرور ساخته است.» فرمود: «وکن لله مطيعا و بذکره آنسا؛ مطيع خداوند باش و به ياد خدا انس بگير.»   
بنابراين مفهوم انس حقيقي، همان همدم شدن آميخته با عشق و علاقه گرم و ناگسستني است که ارتباط و پيوند انسان را به آن چه که مورد انس اوست محکم و متصل مي کند، چنين انسي با خدا و کلام خدا (قرآن) از ويژگي هاي اولياي خدا و هر مومن عارف و وارسته است، چنان که اميرمومنان علي(ع) در مقام دعا مي گويد: «اللهم انک آنس الآنسين لاوليائک ... ان اوحشتهم الغربه آنسهم ذکرک؛ خدايا! تو براي اوليا و دوستان خاصت، مانوس ترين مونس ها هستي... اگر غربت آنها را به وحشت اندازد، ياد تو مونس تنهايي آنهاست.»

ماه رمضان تجلي گاه قرآن

از آن جا که ماه رمضان، ماه نزول قرآن، ماه خدا و ماه تزکيه و تهذيب است و قرآن در شب قدر که در اين ماه قرار گرفته، در قلب پيامبر اکرم(ص) تجلي کرده، نتيجه مي گيريم که ماه رمضان تجلي گاه قرآن، و ماه انس با قرآن است، روزه داران مومن در اين ماه مهمان خدا هستند و در کنار خوان پربرکت قرآن نشسته اند، و بنابراين بايد با تلاوت قرآن انس بگيرند، و با تدبر در آيات قرآن و بهره گيري فکري و عملي از مفاهيم قرآن بر رشد و تکامل ملکوتي خود بيفزايند، بر همين اساس، پيامبر(ص) در فرازي از خطبه شعبانيه که در آخرين جمعه شعبان ايراد کرد، فرمود: «هو شهر دعيتم فيه الي ضيافه الله ... و من تلافيه آيه من القرآن کان له مثل اجر من ختم القرآن في غيره من الشهور؛ ماه رمضان ماهي است که شما در آن به مهماني خداوند دعوت شده ايد... کسي که از شما يک آيه قرآن را در اين ماه بخواند، پاداشش معادل ختم قرآن (تلاوت قرآن از آغاز تا پايان) در ماه هاي ديگر است.»   
و در دعاهاي ماه رمضان، سخن از قرآن و انس با آن، به عنوان کتاب ارشاد و هدايت بسيار به ميان آمده است، در دعاهاي هر روزه ماه رمضان که از رسول خدا(ص) نقل شده، در فرازي از دعاي روز دوم مي خوانيم: «اللهم وفقني فيه لقرائه آياتک؛ خدايا مرا در اين روز براي قرائت آيات قرآن، موفق کن.» و در دعاي بيستم مي خوانيم: «اللهم وفقني فيه لتلاوه القرآن؛ خدايا مرا در اين روز براي تلاوت قرآن توفيق ده.»   
در اين دو عبارت که به صورت دعاست، هم به قرائت و روخواني قرآن توجه شده و هم به قرائت تدبر آميز و توام با عمل، زيرا واژه تلاوت در اصل از «تلو و تالي» است که به معناي دنباله روي و پيروي تنگاتنگ و بدون هرگونه درنگ و فاصله مي باشد. روشن است که چنين توفيقي جز در پرتو انس حقيقي با قرآن به دست نمي آيد. انس با قرآن در حقيقت از سه پايه تشکيل شده که عبارتند از: 1- خواندن آيات قرآن 2- تدبر و شناخت قرآن 3- عمل به دستورهاي قرآن. بر همين اساس امام باقر(ع) در يک تجزيه و تحليل کوتاه فرمود:  
قرآن خوانان بر سه گروه اند: 1- خواندن قرآن را سرمايه کسب مادي خود قرار دهند، و با قرائت قرآن، پادشاهان را بدوشند، و در برابر مردم بزرگ نمايي کنند. 2- در خواندن قرآن، حروف (و تجويد) آن رعايت کنند، ولي حدود و مرزها و برنامه هاي قرآن را تباه سازند، قرآن براي آنها همانند جام آب نگهدارنده است (که هنگام تشنگي و سودجويي از آن بهره مي برند، و هنگام سيرابي آن ظرف را مانند سواره به پشت سرش مي افکنند.[ )اين دو دسته هرگز ازقرآن بهره مند نمي شوند و نجات نمي يابند.] 3- انسان هايي که قرآن مي خوانند و داروي قرآن را بر دل دردمندشان مي نهند، و براي (خواندن و تدبر در) قرآن شب زنده داري کنند، و روزشان را با روزه به پايان رسانند، و نمازشان و جايگاه هاي نمازشان را بر اساس آن، اقامه نمايند، و به خاطر قرآن، از بستر خواب، براي عبادتدوري کنند، خداوند عزيز و قادر به برکت وجود اين گروه، بلاها را دور مي سازد، از شر دشمنان جلوگيري مي نمايد و از آسمان باران مي فرستد.»  
و در پايان فرمود: سوگند به خدا در ميان قرآن خوانان، چنين گروهي از کبريت احمر کمياب ترند.»   
امام سجاد(ع) هنگامي که قرآن را تا آخر تلاوت مي کرد، دعايي مي خواند، که در فرازي از آن دعا چنين آمده است: خدايا چون ما را براي تلاوت آيات قرآن، ياري فرمودي، و دشواري (و عدم شيوايي) زبان هاي ما را به زيبايي و شيوايي عبارت هاي قرآن آسان نمودي، پس ما را به گونه اي قرار بده تا حق قرآن را آن گونه که هست رعايت کنيم.»   
رسول اکرم(ص) در تفسير آيه 121 بقره: «يتلونه حق تلاوته، مومنان، کتاب آسماني را آن گونه که شايسته آن است مي خوانند.» فرمود: «يتبعونه حق اتباعه؛ آن گونه که سزاوار پيروي است، از قرآن پيروي مي کنند.»   
از سوي ديگر فرمود: «رب تال القرآن، والقرآن يلعنه؛ چه بسيارند تلاوت کنندگان قرآن، که قرآن آنها را لعنت مي کند.»   
اين گفتار و ده ها گفتار ديگر در اين خصوص، از پيامبر(ص) و امامان معصوم(ع) حاکي از آن است که ارزش تلاوت قرآن به اين است که آميخته با توجه و تدبر، و تصميم بر عمل به دستورهاي قرآن باشد، و تحقق و انس حقيقي با قرآن به چنين برنامه اي بستگي دارد. وگرنه خوارج نهرواني، دشمنان خونخوار اميرمومنان علي(ع) همه از قاريان قرآن بودند، ولي از قرآن، فقط قافش را مي دانستند، از اين رو حضرت علي(ع) را که سراپا توحيد بود، کافر خوانده، با او جنگيدند.  
پيامبر اکرم(ص) و امامان معصوم(ع) و اولياي خدا، با قرآن بسيار انس و الفت داشتند، و از فيوضات ظاهر و باطن آن بهره مي بردند، تنها به قرائت ظاهر آيات قرآن اکتفا نمي کردند، بلکه در آيات آن تدبر مي نمودند و آيات را با تاني و شمرده و با صداي زيبا و جذاب و با توجه به معاني آن، و تصميم بر عمل به آن، مي خواندند؛ به عنوان مثال، در قرآن صدها بار جمله «يا ايها الذين آمنوا؛ اي کساني که ايمان آورده ايد.» آمده است، حضرت رضا(ع) هرگاه هنگام تلاوت آيات قرآن به اين آيه مي رسيد و آن را مي خواند، بي درنگ مي گفت: «لبيک اللهم لبيک؛ اجابت مي کنم فرمان و دعوت تو را اي خدا، اجابت مي کنم.» اين مطلب بيانگر آن است که امامان معصوم(ع) با توجه و تدبر، آيات قرآن را مي خواندند، و همان دم تصميم مي گرفتند به دستورهاي خدا عمل نمايند.  
امام خميني - قدس سره - در ظاهر و باطن، رابطه بسيار گرمي با قرآن داشت، و از آن، استفاده هاي فکري و عملي فراواني مي کرد، قرآن بزرگ ترين تکيه گاه مطمئن و نيروبخش براي پيشبرد اهداف او بود، او مي فرمود: «اگر خداوند داستان هاي پيامبران در برابر طاغوت ها را در قرآن ذکر کرده، موسي و فرعون، ابراهيم و نمرود و... را تذکر داده، منظورش داستان سرايي نبوده، بلکه منظور تبيين برنامه پيامبران در برابر طاغوت هاست؛ يعني ما نيز که پيرو قرآن هستيم، بايد در برابر طاغوتها تا سرحد نابودي آنها تلاش کنيم.»  
مکرر مي فرمود: قرآن يک کتاب انسان سازي کامل است، و براي آن نازل شده که انسان بسازد. امام خميني بخش مهمي از زندگي اش را حتي در دوران جنگ، و در دوران بيماري آخر عمر، با قرآن مانوس بود، و با تلاوت آيات قرآن، و تدبر در آن آيات، با خدا ارتباط پيدا مي کرد.  
يکي از اعضاي دفتر ايشان در اين باره مي نويسد:  
«هر روز حضرت امام خميني(ره) داراي نظم و انضباط مخصوصي بودند، از جمله مقداري از وقتشان را با قرائت آيات قرآن سپري مي کردند، و کارها آن چنان بر طبق نظم و برنامه ريزي بود که به طور عادي هيچ گاه توجه به کاري موجب تضييع کار ديگرشان نمي شد.»   
امام در نيمه هاي شب که براي نماز شب برمي خاست، مدتي قرآن مي خواند، حتي در اواخر عمر که بستري بودند، با دوربين مخفي از او فيلم گرفتند، و در تلويزيون، بسياري مشاهده نمودند، که از بستر برخاست و نشست و قرآن را به دست گرفت و مشغول تلاوت آيات قرآن گرديد.  
شخصي قرآن هايي با قطع کوچک تهيه کرده و مي خواست به جبهه بفرستد، به دفتر امام آورده بود تا آنها را تبرک کند، آن قرآن ها را نزد امام آوردند، و به عرض رسيد: «اينها قرآن هايي است که شامل چند سوره است، خواسته اند که براي جبهه تبرک شود.» با اين که هميشه حرکات امام به طور کامل، آرام و معتدل بود، ناگهان به طور بي سابقه اي، با شتاب و شدت مضطربانه اي، دستشان را عقب کشيدند، و با لحني تند و عتاب آميز فرمودند: «من قرآن را تبرک کنم؟! اين چه کارهايي است که مي کنيد؟»  
يک بار بدون توجه يک جلد قرآن را همراه چيزهاي ديگر نزد امام آوردند و به زمين نهادند، امام با عتاب فرمودند: «قرآن را روي زمين نگذاريد.» و بي درنگ دستشان را جلو آورده و آن را گرفتند و روي ميزي که در کنارشان بود گذاشتند، امام در اين هنگام روي کاناپه نشسته بودند، معلوم شد که امام نمي خواهند قرآن پايين تر از جايي که نشسته اند قرار گيرد.  
يک بار نيز همه ديدند که حضرت امام(س) در يک مراسم ملاقات در حسينيه جماران، به طور استثنايي به جاي آن که در جايگاه روي صندلي بنشينند، روي زمين نشستند، زيرا در آن روز برندگان مسابقه قرآن آمده بودند، و قرار بود در آن جلسه، چند آيه قرآن تلاوت شود.  
حضرت امام هر سال چند روز قبل از ماه مبارک رمضان، دستور مي دادند که چند ختم قرآن براي افرادي که مد نظر مبارکشان بود، قرائت شود.   
در روايت آمده است: علي بن مغيره يکي از شاگردان وارسته امام کاظم(ع) به آن حضرت عرض کرد: «من مانند پدرم، در ماه رمضان، چهل بار قرآن را از آغاز تا پايان تلاوت مي کنم - و گاهي بر اثر اشتغالات و نشاط و خستگي، کم و زياد مي شود - و در روز فطر، ثواب يک ختم قرآن را نثار روح پيامبر(ص) هديه مي نمايم، ختم ديگر را به اميرمومنان علي(ع)، و ختم ديگر را به حضرت زهرا(س) و ختم ديگر را به امام حسن(ع) و امامان ديگر تا شما، اهدا مي نمايم، پاداش من در اين کار چيست؟» امام کاظم (ع) فرمود: «لک بذلک ان تکون معهم يوم القيامه؛ پاداش تو اين است که در روز قيامت همنشين و همدم پيامبر(ص) و فاطمه و امامان(ع) خواهي بود.»  
گفتم: «الله اکبر، براستي به چنين مقامي نايل مي شوم؟» سه بار فرمود: آري.   
پايان اين گفتار را با ذکر سخن پيامبر اکرم(ص) در شان پاداش تلاوت قرآن، مي آراييم که فرمود: مومني که هر شب ده آيه از آيات قرآن را تلاوت کند، نامش جزء «غافلان» نوشته نشود، و اگر هر شب پنجاه آيه بخواند نامش جزء «ذاکران» نوشته شود، و اگر صد آيه بخواند، نامش جزء «قانتان» (بندگان خالص و فروتن) نوشته گردد، و هرگاه هر شب صد آيه بخواند، نامش جزء «فائزان» (رستگاران) ثبت مي گردد، و هرگاه پانصد آيه بخواند، نامش جزء «مجتهدان» (تلاشگران راه حق) نوشته شود، و اگر هزار آيه بخواند، براي او در بهشت قنطاري از طلا که معادل پانزده هزار مثقال طلا است مقرر گردد، که هر مثقال آن 24 قيراط است که کوچک ترين قيراط آن، همانند بزرگي کوه احد مي باشد، بزرگ ترين آن به بزرگي بين زمين و آسمان است.  
منبع: بانک اطلاعات نشریات کشور